

# اوصاف نظری و عملی اولوالالباب

هدایت در قرآن

قسمت سی ونهم

آیه الله جوادی آملی

«الباب» (آیه ۱۹۰). هم آفرینش آسمانها و زمین و هم نظم خاص لیل و نهار و اختلاف روز و شب، آیاتی هستند برای خردمندان و اصحاب لب.

در اینجا قسمت مهم اندیشه های علمی آمیخته با عمل اولوالالباب را بیان فرمود.

«الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم» آنان که یاد خدا را در دل و نام خدا را بر لب دارند، چه در حال ایستاده و چه در حال نشسته و چه در حال پهلو آریده، همواره به یاد اویند. و هیچ وضعیت و حالی برای آنها پیش نمی آید که در آن حال، از یاد خدا و ذکر الهی غفلت داشته باشند.

«و یفکرون فی خلق السموات و الأرض ربنا ما خلقت هذا باطلاً» و در آفرینش آسمانها و زمین همواره می اندیشند و می گویند پرورد گار، تو اینها را به باطل نیافریدی.

لیب کسی است که هم با جهان بینی، خدا را بشناسد و هم با جهان بینی، قیامت را بفهمد. آن کسی که جهان را می بیند و می گوید این «ماده» است که با تطوراتش حالات گوناگون دارد؛ او قلبش نهی است و لیب نیست. لیب کسی است که با مشاهده آیات الهی، به آفریدگار این آیات، پی برد و با تأمل در اسرار عالم به قیامت پی برد و بگوید این نظام یاوه نیست که خلق شود و بپوسد و از بین برود، یا اینکه انسان مانند یک درخت سبز بیاید و بعد هم بپوسد و از بین برود. این نظام هدفی دارد که در سمت هدف به پیش می رود. اگر بی هدف می بود، باطل و بیهوده بود ولی چنین نیست. این نظام، هماهنگ و به هم مرتبط است و هرگز یاوه و بی مقصد نیست.

«ربنا»، «بارتبا»

اینان که اولوالالبابند و درباره نظام آفرینش می اندیشند، «ربا

«أفمن یعلم أنما أنزل الیک من ربک الحق کمن هو اعسی انما ینذکر اولوالالباب» الذین یوفون بعهد الله ولا ینقضون المیناق و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب و الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و أقاموا الصلوة و أنفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه و یدرون بالحنه السیئه اولئک لهم عقی الدار و جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائکه یدخلون علیهم من کل باب و سلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقی الدار».

(سوره رعد آیت ۱۸ الی ۲۴)

در این آیات کریمه، خداوند برای آنان که ندای الهی را پاسخ گفتند هشت صفت ذکر فرموده است که به تعبیر برخی از اهل تفسیر، اینها نشانه در بهای هشتگانه بهشت است که با انجام این خصال ثماینه، وارد بهشت می گردند.

در آغاز آنها را به اولوالالباب بودن معرفی کرده که اینها دارای لب و مغزند. لیب کسی است که هم از نظر اندیشه و مسائل فکری و علمی، عاقل به عقل نظری باشد و هم از نظر انجام اعمال صالحه، عاقل به عقل عملی باشد.

صاحب خرد و صاحب دل کسی است که هم خوب بفهمد و هم خوب عمل کند. قسمت مهم اوصاف اولوالالباب که به بخش نظری و علمی برمی گردد، در پایان سوره آل عمران بیان فرمود و قسمت مهم اوصاف عملی اولوالالباب را در همین سوره رعد بیان فرموده است. پیش خوب را که نشانه لب است در اواخر سوره آل عمران و کوشش خوب را که نشانه لب است در همین سوره رعد بیان فرمود.

اوصاف نظری اولوالالباب

در اواخر سوره آل عمران چنین آمده است.

«أن فی خلق السموات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لأولی



ربنا» نمی گویند زیرا وقتی انسان لیبب شد، آنقدر به خدا نزدیک می شود که «ربنا» می گوید و دیگر «یا» به آن اضافه نمی کند. آن بنده ای که با اذکار اولیه به مولا نزدیک شد، خود را در حضور مولا می بیند و دیگر «یا رب» نمی گوید. و شاید حالات مختلفی که برای حضرت سیدالشهداء سلام الله علیه در آن میدان شهادت، پیش آمد که در لحظات آخر عمر «رب، رب» می فرمود، روی همین تأذیب در ذکر باشد که دیگر بنده، خود را از پروردگارش دور نمی بیند که بگوید «یا رب». آن مربوط به اوائل ذکر است که سخن از ندا و منادا می آید. وقتی به حضور رفت و در حضور مولا با او به سخن پرداخت، «یا» نمی گوید. «یا» مال غایب است.

در اینجا اولوالالباب که خود را در حضور مولایشان می بینند، می گوید «ربنا» و دیگر سخن از «یا ربنا» نیست. وقتی دو نفر در کنار هم نشسته اند، اگر مشافهت سخن می گویند «یا» نمی گویند، ندا مربوط به انسان دور است؛ و لذا اینها هم که خود را متقرب الی الله می بینند، می گویند: «ربنا ما خلقت هذا باطلاً» پروردگارا، این نظام را یاوه خلق نکردی که بگردد و نابود شود و از بین برود!

پس لیبب کسی است که از نظر جهان بینی یعنی با مطالعه اسرار عالم هم به مبدأ پی برود که آن «توحید» است و هم به پایان پی برود که آن «معاد» است. بنابراین، ویژگی لیبب بودن آن است که بتواند با این جهان بینی، هم مبدأ را بشناسد و هم معاد را.

طنطاوی و دیگر مفسران از ابن عباس نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هر شب که برای نماز شب برمی خاستند، اول نگاهی به نظام آفرینش می کردند و می گفتند: «ربنا ما خلقت هذا باطلاً»، سپس به نماز شب می پرداختند. خلاصه یک عمل صالحی است در کنار این بینش علمی یعنی اینطور نیست که عبادتی خالی از بینش یا بینشی بدون عمل باشد.

پس حال که معلوم شد این عالم باطل نیست و بهبوده آفریده نشده، بلکه قیامتی در پیش و حساب و کتابی در آینده داریم؛ اینجا است که اولوالالباب عرض می کنند: «سبحانك فقنا عذاب النار» - پس خداوندا، ما را از عذاب آتش پرهان و نجاتمان ده.

### مناجات اولوالالباب

و انسان لیبب نه تنها در فکر عذاب ظاهری است که بیشتر از عذاب معنوی که فوق عذاب ظاهری است می ترسد و لذا در کریمه بعد چنین عرضه می دارد:

«ربنا انك من تدخل النار فقد أخرجته وما للظالمين من انصار»

- پروردگارا! تو هر کس را به جهنم بردی، آبرویش را ریختی و ستمکاران را یاورانی نیست. یعنی آنچه بیش از عذاب ظاهری، دردناک است، این است که تو از کسی، رضی نباشی و مشمول مهرت قرار نگیری و او را در جهنم بیاندازی و رسوایش سازی. اولوالالباب در ادامه مناجاتشان می گویند:

«ربنا اننا سمعنا منادياً ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا، ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفرنا وسفاننا وتوفنا مع الأبرار» - پروردگارا! ما آن پیکی که از طرف تو آمد و پیام تو را به ما رساند و ندای ایمان را به گوش ما رساند پذیرفتیم و اجابت کردیم، پس پروردگارا، گناهان ما را بیامرز و سیئات ما را پوشان و ما را در زمره ابرار و خوبان محشور فرما.

در اینجا دو درخواست از خداوند شده است: یکی اینکه گناهان را بیامرز و دیگری اینکه گناهان را افشا نسازد. یعنی خدایا! اینقدر به ما لطف کن که گناهانمان را پوشانی و افشا نکنی، نه اینکه آنها را افشا سازی و بعد ما را بیامرزی. چون بعضی اینچنین هستند که در قیامت، خدای سبحان، گناهانشان را به رخ آنها می کشد و از آنها در جمع، اقرار می گیرد، بعد می آمرزد. ولی برای عده ای دیگر تکفیر و پوشش سیئات است. و اولوالالباب از خدا می خواهند، همانگونه که در دنیا سعی کردند آبروی دیگران را نبرند، او هم در آخرت آبرویشان را حفظ کند.

### باید عمل خالص باشد

«ربنا وأنا ما وعدتنا على رسلك ولا نخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد»، پروردگارا، آن وعده هائی که به زبان انبیا و فرستاد گانت به ما دادی، آنها را عملی کن و حیثیت و آبروی ما را در قیامت حفظ کن که همانا تو هرگز وعده ات را خلف نمی کنی.

این «خزى» که در این آیه آمده است، غیر از آن خزى است که در آیه قبلی ذکر شد. زیرا در آنجا در اثر رفتن به جهنم، انسان خزى می شود ولی در اینجا در اثر نرسیدن به نتیجه وعده های انبیا خزى می شود. معلوم می شود نه تنها عمل مطرح است بلکه خلوص در نیت و «الله» عمل کردن نیز مطرح است. و لذا در کلمات معصومین مخصوصاً حضرت امیر سلام الله زیاد مطرح است که: بکشید، خالص رفتار کنید زیرا ناقد خیلی بصیر و بینا است. «ان الناقد بصير» و بدین خاطر است که بسیاری از افراد، در قیامت می بینند که صفحه اعمالشان خالی است هر چند زیاد هم عمل کرده اند! پس اگر انسان می خواهد

بقیه در صفحه ۱۲



بقیه از اوصاف نظری و ...

پس این خیزی و آبروریزی نرسد. باید در اعمال خود، خدا را مد نظر قرار دهد و از حساس و هواهای نفسی دور باشد.

### اجابت درخواستهای اولوالایاب

پس از مناجات اولوالایاب با پروردگارشان، خداوند می فرماید: «فاسجاب لهم رزقهم انی لا اضع عمل عامل منکم من ذکر او انشی بعثکم من بعض فالمدین هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اودوا فی سبیلی و فانیلوا و فانیلوا لا کفرن عنهم سیئاتهم و لا دحللتهم جنات تجری من تحتها الانهار نواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب».

(سوره آل عمران سوره ۱۱۵)

پس پروردگارشان دعایشان را اجابت کرد و فرمود: من هرگز عمل غیر مسلم کننده ای از شما را چه مرد باشد و چه زن، ضایع نمی کنم. پس آنکه از دین خود هجرت کردند و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کردند و کشته شدند. همانا سیئات آنان را بپوشانیم و آنان را وارد بهشت سازیم که نهرها در زیر درختانش جاری است. این پاداشی است از سوی خداوند و پاداش های خوب همه نزد او است.

به هر حال خداوند می خواهد بفرماید: شما خواسته هائی دارید و برای رسیدن به خواسته هایتان نیاز دارید به هجرت در راه خدا، جهاد، تلاش و تحمل گرفتاریها و تبعیدها و زندان ها و جان دادن ها و نثار مال و خون در راه خدا. خلاصه بهشت رایگان به دست نمی آید؛ چنین نیست که مرفه باشید و همه چیز در اختیارتان باشد و هیچ رنج نبرید و هیچ اتق نکشید و با این حال، به بهشت برین هم نائل شوید.

اصلاً خداوند انسان را برای رنج آفرید «لقد خلقنا الانسان فی کبد» (سوره بلد، ۲) او در کبد و مکابده و تلاش و رنج و درگیری و زود خورد و مشکلات است. ولی اگر بخواهد مرفه باشد، او دیگر انسان نیست «درهم با کلوا و يتمتعوا و یلبثهم الامل» (سوره حجر، ۲) بگذار بخورند و تمتع کنند و آرزوها، آنها را از خدا دور سازد. یا در جانی دیگر می فرماید: «با کلون کما تاکل الانعام» (سوره محمد، ص. ۱۲) مانند حیوانات می چرند.

### انسان مطرح است نه زن و مرد

«انی لا اضع عمل عامل منکم من ذکر او انشی» آن جایگاه که جایگاه لب و مقر است، آن جا زن و مرد مطرح نیست، این پیکر است که اینچنین ساخته شده یا آنچنان، ولی ایمان مربوط به جان و روح است و عمل صالح مربوط به روح است نه زن و نه مرد. آن کسی که باید

بفهمد و عمل کند انسان است و انسان نه زن است و نه مرد و به تعبیر بوعلی: مذکر و مؤنث بودن جزو صنف است نه جزو فصل. این در ذات دخیل نیست؛ مثل ناطق نیست که در ذات دخیل باشد پس بیرون از ذات است.

مذکر بودن یا مؤنث بودن بدلیل اینکه جزو صنف است نه جزو فصل، معلوم می شود بیرون از ذات است و بیرون از ذات هر که شه فرق نمی کند. گاهی انسان سیاه است و گاهی سفید، گاهی شهری است و گاهی روستائی، گاهی مرد است و گاهی زن این بیرون از ذات است. پیکر چه اینچنین ساخته شود و چه آنچنان، نه مسئول ایمان است و نه مسئول عمل صالح، و این فقط از باب تقسیم وظائف عملی، چنین تقسیماتی شده است.

آن کسی که باید عمل کند و در درجه اولی، ایمان بیاورد، انسان است و جان آدمی، انسان و جان آدمی نه مذکر است و نه مؤنث. لذا ذکوریت و انوشت در غیر انسان ها هم یافت می شود؛ معلوم می شود جزو صنف ها است نه جزو فصول مقومه.

### راه تکفیر گناهان

اولوالایاب در درخواستهایشان از خدا خواستند که گناهانشان را بپوشاند و تکفیر سیئات از آنها بکند، خداوند نیز در پاسخ می فرماید: آنان که از وطن و دیار خود بیرون رفتند و در راه من اذیت و آزار شدند و هجرت کردند و تبعید شدند و جهاد کردند و کشته شدند، من گناهانشان را می پوشانم. بنابراین راه تکفیر سیئات، این است که در آیه ذکر شده است که انسان برای خدا قیام کند و در راه خدا تحمل سختی ها و مشکلات و گرفتاریها و هجرت ها و تبعیدها بنماید و اعمال خود را در دنیا بدون ترس و وا همه از کسی جز خدا انجام دهد، و بی گمان خداوند که خود وعده فرموده است، چنین کسی را بالاترین پاداش می دهد.

قسمت مهم محتوای این آیات کریمه، بیانش علمی اولوالایاب ذکر شد هر چند برخی مسائل عملی نیز در آن مطرح بود. پس آنان جهان بیسن کامل اند که با اسرار عالم مأنوس اند، هم مبدأ را می شناسند و هم معاد را، هم به فکر عمل صالح اند و هم ایمان و عقیده دارند.

پس اولوالایاب کسانی هستند که هم مسائل دینی را روی بیانش علمی صحیح تأمین می کنند و هم می کوشند آنچه را می فهمند عمل کنند. قرآن همانطور که بارها عرض کرده ام، یک کتاب فلسفه یا کتاب تنوری و علمی نیست که فقط مقرراتی کلی بیان کند، بلکه قرآن کتاب هدایت و نور است و همواره به جای اینکه مطالب علمی را



اولوالالباب روی مسائل عملی است که هشت صفت را برای آنها بیان می کند و به قول برخی از مفسران، هشت صفت، ناظر به هشت درب بهشت است.

- ۱- وفای به عهد خدا می کنند و عهدشکنی ندارند.
- ۲- آنچه خدا امر به وصل آن کرده، وصل می کنند.
- ۳- از خدا خشیت دارند.
- ۴- از حسابرسی می ترسند.
- ۵- برای خاطر خدا، صبر می کنند.
- ۶- نماز را بر پا می دارند.
- ۷- آنچه خدا به آنها مرحمت کرده، در سر و عین، انفاق می کنند.
- ۸- بدی را با خوبی دفع می کنند.

ادامه دارد

۵- تفسیر عیاشی- ج ۱ ص ۲۵۷.

۶- «انا لننصر رسولنا»- سورة غافر آیه ۵۱.

۷- «والذین جاهدوا فینا لنهتدینهم سلیمان»- سورة عنکبوت آیه ۶۹.

۸- «ان تنصروا الله ینصركم...»- سورة محمد آیه ۷.

۹- «الیه عشقان آن روز در حبه بود و رسول خدا غیاباً او را با عبدالرحمن بن عوف برادر ساخت».

۱۰- کتاب محبو ابوطییب بغدادی. ص ۷۰-۷۱ و سیره طیبه ج ۲ ص ۲۰ و سیره دحلان ج ۱ ص ۱۵۵ و الصحیح من السیره ج ۲ ص ۲۲۹.

دهد در چنین موقعیتی که کشور و انقلاب اسلامی ما قرار دارد و از طرف دیگر وضعیت سیاسی جهان بطور جدی در حال دگرگونی و تغییر ماهوی است و در سایه موج عظیم انقلاب اسلامی ملت‌های مظلوم یکی پس از دیگری زنجیرهای ترس و وحشت را پاره کرده و فریاد آزادیخواهی و آرمان طلبی و نوع دوستی را بلند می نمایند و کشور اسلامی و انقلاب مقدس اسلامی ایران بعنوان ام القراءه انقلابهای مکتبی در قرن معاصر مطرح است.

با توجه به تمامی این قضایا و موضوعات اهمیت مراکز علمی و آموزشی حوزه ای و دینی و دانشگاهها و دانشراها و مدارس بیش از گذشته خودش را نشان داده و سنگینی بار این مسئولیت را همگان لمس و احساس خواهند نمود و ضرورت حضور عالمان وارسته دینی در دانشگاهها و ارتباط تنگاتنگ آنان با همدیگر را باور خواهند کرد. ولذا توجه به مراکز آموزشی و تربیتی و دانشگاهها علاوه بر اینکه یک وظیفه انسانی و اخلاقی و دینی است بعنوان یک اصل اساسی و محوری انقلابی هم هست، کسانی که برای تحقق انقلاب اسلامی زحمت کشیده اند و در راه آن رنجها بخود راه داده اند و سرمایه گذاری کرده اند بیش از همه جا و همه مراکز به مراکز آموزشی و تربیتی باید توجه نمایند و با برنامه ریزی دقیق از نفوذ اجانب در آن مراکز جلوگیری نموده و با تقویت آنها آینده کشور و انقلاب را تضمین نمایند. ادامه دارد

بیان کند، عالمان با عمل را به ما نشان می دهد. وقتی نیکی را می خواهد معنی کند نمی فرماید نیکی چیست بلکه می فرماید: اگر خواستید نیکی را بشناسید، نیکان آن کسانی هستند که ایمان به خدا و روز جزا آوردند «ولکن البر من آمن بالله والیوم الآخر...» اگر قرآن کتاب فرضیه و تئوری بود، نیکی را معنی می کرد ولی چون کتاب نور و هدایت است، نیکان را به ما می شناساند. در اینجا نیز اولوالالباب را معرفی کرد که اینها هم در مسائل علمی می اندیشند و هم در مسائل علمی پیشرو و مهاجرند و مقاتلند و امثال ذلک.

ولی در آیات مورد بحث سوره رعد، قسمت مهم محتوای

### بقیه از هجرت بمدینه

عمر خود قبل از شهادت در جنگ صفین و در مورد حقانیت راه و پیروی از علی علیه السلام گفت: «والله لو ضربونا حتی یبلغوا بنا السعفات من هجر لملنا فإنا علی الحق وانهم علی الباطل» که پاسخ خوبی است برای منطبق نادرست «الحق لمن غلب».

۳- سیره النبویه ج ۲ ص ۲۱۴.

۴- تفسیرین سرزمینی است در شام.

### بقیه از نقش مراکز آموزشی و...

حساسیت و قاطعیت در جریان دانشگاهها قرار گیرند و جلوه هر نوع انحرافی را که مشاهده کردند گرفته و زمینه را برای بوجود آمدن انحرافات احتمالی بعدی منتفی نمایند و این وظیفه جاودانه و همیشگی امت اسلام بالخصوص جوانهای پرشور و انقلابی در سراسر دانشگاهها است.

مبادا فکر کنند دوران حساسیت اوائل انقلاب سپری گشته است و آب از آسیاب افتاده و خطری دانشگاهها را تهدید نمی نماید نه چنین نیست بلکه خطر همیشه بوده و هست و هوشیاری امروز جوانهای انقلابی و بسیج دانشگاهی و جهادگران دانشگاهی و انجمنهای اسلامی دانشگاهها که ریشه در اصل انقلاب داشته و عامل اصلی پاکسازی دانشگاهها همانها بوده اند بیش از گذشته لازم و ضروری است زیرا که امروز دوران بازسازی کشور و جبران خرابیها و نابسامانیهای دوران جنگ تحمیلی و ارث رسیده زمان حاکمیت طاغوتی می باشد.

کشور در تمام زمینهها باید خلاهای گذشته را جبران نموده و برای آینده تیرومند و آباد و مستقل خودش را مهیا و آماده سازد تا بتواند الگوی خوب و قابل عرضه ای را برای ملت‌های تحت ستم عالم ارائه نموده و راه ورسم زندگی ارزشی و الهی را به همه آزادگان جهان نشان